

کنفرانس منابع اطلاعاتی جهان اسلام

از ۳۱ اکتبر تا ۳ نوامبر ۱۹۹۹ کنفرانسی در مور منابع اطلاعاتی جهان اسلام در ریاض به وسیله کتابخانه عمومی پادشاه عبدالعزیز، وزارت امور اسلامی، اوقاف، دعوت و هدایت و بانک توسعه اسلامی ترتیب داده شد. ۸۴ محقق و متخصص از جهان اسلام (مصر، پاکستان، عربستان سعودی، اندونزی، مالزی، کویت، ترکیه، مراکش، آذربایجان، سوریه، الجزایر، عمان، ایران و تونس) و اروپا (انگلستان، آلمان، فرانسه، روسیه، اسپانیا و ایتالیا) و نیز از کشورهای ژاپن، هند، فیلیپین، آمریکا، تایلند و سنگاپور در این کنفرانس شرکت کردند تا پیرامون مسائل اطلاعات و ارتباطات که به گذشته و حال جهان اسلام ارتباط داشت به بحث و تبادل نظر بپردازند. اغلب مطالب و مقالات ارائه شده در این کنفرانس به مسئله منابع تاریخی درباره اسلام و بسیاری از موضوعات معاصر پرداخته شد که موضوع آنها اطلاعاتی درباره اقلیتهای مسلمان در کشورهای نظیر روسیه

برخی بی پناه باقی ماندند. تفرقه میان لبنان و سوریه نیز بیهوده است. چرا که این اتحاد استراتژیک است و سوریه مانند سایر کشورهای عربی و اسلامی خود را موظف می داند که از خروج اسرائیل از نواحی اشغالی پشتیبانی کند و پنجم خرداد ۱۳۷۹ را همچون مسلمانان و سایر اقوام لبنانی و دنیا به عنوان عید ملی به رسمیت می شناسد.

فریبا عادل

کارشناس مسائل خاورمیانه

یادداشت ها:

- ۱- در این مورد نگاه کنید به: ناصرالدین نشاشیبی، «در خاورمیانه چه گذشت؟» مترجم. م. ح. روحانی، (تهران، توس، ۱۳۷۶)، صص ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲.
- ۲- کمال حداد، «مسئولیت بین المللی اسرائیل در قبال تجاوز به لبنان»، ترجمه حجت رسولی، فصلنامه خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹، صص ۱۳۰-۱۲۸.
- ۳- محمد رحیم عیوضی، «ارتش اسرائیل در گرداب جنوب لبنان»، فصلنامه خاورمیانه، سال پنجم، شماره یک، بهار ۱۳۷۷، صص ۱۸۶-۱۸۴.
- ۴- همان، صص ۱۸۵.
- ۵- منیف الخطیب، روزنامه بیسان، سه شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۷۹، صص ۸ به نقل از الدیار.

(کتابخانه ملی روسیه، سن پترزبورگ)، ژاپن (عبدالله عبدالعزیز الیحیی)، چین (عبدالرحمن ابن سلیمان المزینی) یا منطقه آسه. آن (امتیاز یوسف، دانشگاه پرنس سونگکلا، پاتانی، تایلند) را در بر می گرفت. همچنین مسائلی مربوط به تصویر اسلام در وسایل ارتباط جمعی غرب و دیگر موضوعات ارتباطات جمعی نظیر اینترنت و کامپیوتری شدن منابع مربوط به اسلام نیز از موضوعات اساسی به شمار می آمدند.

برگزاری چنین کنفرانسی در عربستان سعودی و حضور محققانی از دانشگاهها و نهادهای غرب نظیر دانشگاه هاروارد، دانشگاه کمبریج یا مؤسسه مطالعات خاورمیانه ای آلمان در هامبورگ قابل توجه بود. این امری بسیار نادر و اتفاقی است که محققان بین المللی شانس دعوت شدن به پادشاهی عربستان سعودی را داشته باشند و به علاوه تاکنون ندرتاً در عربستان به مسائلی چون اطلاعات، ارتباطات و رسانه های جمعی پرداخته شده است. برعکس اغلب کشورهای خلیج فارس که می توانند به توسعه علوم ارتباطات پیشرفته در کشورشان مباحثات کنند عربستان سعودی همواره به خاطر مسئله

به اصطلاح «تهاجم فرهنگی» غرب در این حوزه در موضع دفاعی قرار داشته و یا در بهترین حالت به ابزار مدرن برای انجام مأموریت «دعوت اسلامی» علاقه مند بوده است. علی رغم بسیاری از گرایشهای محافظه کارانه ای که در طی مباحثات کنفرانس پیش کشیده شد این کنفرانس را می توان علامت گشایش تدریجی رویکرد عربستان به ارتباطات جهانی تلقی نمود. این کنفرانس بر دینامیسم فرهنگی داخلی سیاست و جامعه وهابی پرتوئی افکند که به رغم آهستگی و تناقضات بسیار اهمیتی به مراتب بیشتر از آنچه بسیاری از ناظران خارجی تاکنون تصور می کردند، داشت.

تا چند سال پیش تصور این مسئله بسیار سخت بود که یک مقام رسمی و پرنفوذ عربستان همچون شیخ عبدالعزیز بن عبدالمحسن التواجری معاون دوم گارد ملی به مسئله «دهکده جهانی» پردازد که همه ما در آن زندگی می کنیم و وجود ارتباطات بین فرهنگی را ضروری و اجتناب ناپذیر می سازد. این فرمول مشهور که در دهه ۱۹۶۰ توسط مارشال مک لوهان اندیشمند کانادایی علم ارتباطات ابداع شد بر مبنای یک رویکرد

فرهنگی استوار است که با عربستان سعودی بیگانه است. دهکده جهانی محلی است که از فرایند تعامل متقابل جهانی از طریق رسانه های جمعی و دیگر اشکال ارتباطات مدرن حمایت به عمل می آورد که این امر به تنگ شدن مداوم عرصه بر ای ارزشهایی که جزء ذاتی فرهنگ ها و مذاهب متفاوت جهان هستند منجر می شود.

عبدالله ابن عبدالعزیز ولیعهد عربستان که در طی بیماری برادرش شاه فهد عهده دار بسیاری از مسائل کشور بود در پیامی به کنفرانس عقیده ساموئل هانتینگتون در مورد «برخورد تمدنی» بین اسلام و غرب را مورد حمله قرار داد. او تأکید که کرد تنش های میان کشورها را نباید به گردن فرهنگ های موجود و یا بیگانگی و دشمنی عمیق بین تمدنها گذاشت. ولیعهد عربستان گفت مسئول تصورات نادرست از اسلام در غرب، تعداد قلیلی از «مسلمانان منحرف» هستند و او به طور ضمنی به بنیادگرایان اسلامی رادیکال اشاره داشت. در پی آماده سازی مقدمات کنفرانس منابع اسلامی مباحثات داخلی فراوانی بین اعضای خاندان آل سعود و مشاورانشان جریان داشت. عبدالله که دیر یا زود پادشاه

عربستان خواهد شد با دیدار خصوصی با همه اعضای کنفرانس (از جمله تعدادی از اندیشمندان زن که در طی کنفرانس مجبور بودند در اتاقهای جداگانه ای بنشینند و از طریق میکروفن با همتایان مردشان گفتگو کنند و این امر انتقاد بعضی از شرکت کنندگان را برانگیخت) اهمیت و اعتبار تازه ای به کنفرانس بخشید.

آزادسازی تدریجی در سیاست اطلاع رسانی و فرهنگی عربستان سعودی را می شد در طی برنامه کنفرانس مشاهده نمود. شرکت کنندگان به موزه تاریخی جدیدی در ریاض دعوت شدند که یک نگرش انطباق گرایانه و محافظه کارانه از تاریخ عربستان سعودی و اسلام ارائه می داد. موزه بخشی از یک رویکرد آل سعود به تاریخ است که تا حدی عصر برجسته تاریخی او آخر دوره قیصر را در آلمان تداعی می کند چرا که یکی از اهداف کنفرانس مطمئناً مشروعیت بخشی مجدد به حکومت آل سعود بر کشور است که اخیراً به وسیله نیروهای اسلام گرا به چالش کشیده شده است. اما علی رغم این مقاصد، موزه یک تلاش متریقی به حساب می آید و اگرچه مربوط به گذشته است اما کم اهمیت نیست زیرا بخشی از دوره پیش از اسلام یا

دوره جاهلیت را در بر می گیرد و تاچندی پیش علمای وهابی با آن مخالف بودند چرا که در آن خدایان پیش از اسلام به نمایش گذارده شده است. به علاوه کتابخانه شاه عبدالعزیز به عنوان میزبان اصلی کنفرانس بسیاری از کتابها و مجلات انتقادی را جمع آوری و در دسترس عموم قرار داده (برای مثال می توان به مهمترین مجلات آمریکایی، انگلیسی و آلمانی در خصوص مسائل خاورمیانه معاصر اشاره نمود) و این اقدام را نیز می توان به عنوان نشانه تکثرگرایی فزاینده در بافت فکری و فرهنگ پادشاهی قلمداد نمود.

در مجموع می توان گفت که ایده بهره برداری از مادی گرایی غربی (صنعت، ارتباطات و...) در عین حفظ یک شیوه زندگی وهابی «ناب» به سختی در بلندمدت دوام خواهد آورد چرا که عقاید و ارزشهای جدید وارد کشور شده اند و به روشهای گوناگون به وسیله نسل جدید تحصیل کرده سعودی در جامعه این کشور جا افتاده اند.

اما همه این جنبه ها نباید ما را از گرایشات محافظه کارانه مخالف که در بسیاری از مقالات ارائه شده در کنفرانس مشهود بود، غافل کند. در کنار گشایش

تدریجی در رویکرد سعودی ها به ارتباطات و فرهنگ، این جنبه های محافظه کارانه به برداشتی متعارض از واقعه منجر شد. ایده ای که در پشت اقدام به جمع آوری منابع جدید در مورد اسلام و مسلمانان (برای مثال در روسیه و چین) قرار دارد در واقع نشانه علاقه به بخشهای غیرمسلمان جهان نیست بلکه بیشتر علامت تمایل سعودی ها برای بدست آوردن مجدد اعتماد به نفس اسلامی و عمق بخشیدن به وجه علمی مطالعات اسلامی است. به علاوه بسیاری از شرکت کنندگان معتقد بودند که دعوت اسلامی عامل محرک و دلیل پشت پرده انجام این پژوهشهایشان بوده است. اندیشه جستجو برای دستیابی به منابع و وسایل ارتباطی جدید جهت دعوت اسلامی یکی از دلایل اصلی حمایت شیخ صالح بن عبدالعزیز بن محمد الشیخ وزیر امور اسلامی، اوقاف، دعوت و هدایت عربستان سعودی از این کنفرانس بود (هرچند در بین مؤسسات مذهبی این عقیده در حال گسترش است که مسلمانان جهان در اغلب موارد از تفسیر وهابی اسلام پیروی نمی کنند).

جنبه دیگری که به کلی با نگرش

به ارتباطات جهانی مبذول داشت اما اجماع گسترده‌ای در این مورد وجود داشت که باید شرایط ارتباطات و به ویژه تلقی منفی از اسلام اصلاح شود. از جمله کسانی که بر این امر تأکید داشت «فیصل بن معمر» یکی از معاونان التواجری در گارد ملی و مدیر کتابخانه شاه عبدالعزیز بود. چنین انتقادی از غرب را می‌توان در سنت ادوارد سعید و دیگران به خوبی مشاهده نمود اما بسیاری از مقالات بیانگر فقدان تحلیل عمیق از این پدیده بودند و به جای این که به بازبینی و نقد خود بپردازند بیشتر حالت تدافعی داشتند.

نگرش‌های انتقادی برعلیه شرق شناسان غربی در بین بسیاری از محققان کشورهای اسلامی خیلی صریح و بی‌پرده بود. در طی سمینار پایانی که تحت عنوان «پیشینه‌های گذاشته و چشم اندازهای آینده شرق شناسی» برگزار شد پژوهشگران مسلمان درکی از تحولاتی که اخیراً در علم غربی صورت گرفته، نداشتند. در حالی که بخش زیادی از مباحث به اشتباهات و تعصبات مندرج در آثار افرادی مانند هامیلتون گیب (وفات به سال ۱۹۷۱) اختصاص داشت. اما از این واقعیت سخنی به میان نیامد که اکنون در غرب در بین

مترقی در مورد کنفرانس منابع جهان اسلام تناقض دارد این است که کنفرانس فوق را باید در متن سیاست‌های رسانه‌ای منطقه‌ای سلطه‌آمیز عربستان سعودی درک کرد. به عنوان مثال می‌توان به تلاش‌های مستمر این کشور بر علیه تلویزیون شدیداً انتقادی و کثرت‌گرای «الجزیره» قطر اشاره نمود. مقالاتی که به موضوع رسانه‌های جمعی معاصر پرداختند اغلب به علائق تنگ نظرانه مذهبی نظیر احداث یک کانال ماهواره‌ای اسلامی محدود شده بود. (مانند مقاله عقیل ابراهیم القین). در این کنفرانس تأکید بیشتری نیز به مسئله تصور منفی و یک طرفه از اسلام در رسانه‌های غربی (مقالات مسیکن الحجازی از پاکستان، تنگکو داهریل از اندونزی، مراد ویلفرد هوفمن از استانبول ترکیه، کائی حافظ از مرکز مطالعات خاورمیانه آلمان) و بین شرق‌گرایان غربی و کارشناسان خاورمیانه (قیصر علی فرج از دانشگاه مینسوتای آمریکا، علی بن ابراهیم النملا، عدنان ابن محمد الوزان، محمد عبدالله الشرقاوی از قاهره مصر) مبذول شد. اگرچه کنفرانس در عوض اتخاذ یک موضع دفاعی و انزواجویانه در مقابل «تهاجم فرهنگی» غرب علاقه و توجه زیادی

محققان جوان تر مسائل خاورمیانه یک نسل «پساشرق شناسی» به وجود آمده که از کتاب شرق شناسی ادوارد سعید الهام گرفته اند و در صدد اصلاح شالوده های ایدئولوژیک تحقیقات غربی هستند. تنها به صورت اتفاقی و نادر در این کنفرانس تحولات علمی از منظری نهادی مورد بررسی قرار گرفت (برای مثال می توان به مقاله کاملاً تحلیلی و مثبتی اشاره کرد که قاضی شنیک در مورد اقدامات موسسه مطالعات خاورمیانه آلمان در هامبورگ ارائه داد). از نظر بسیاری از شرکت کنندگان کنفرانس «شرق شناسی» بیشتر یک شعار تلقی می شد که بدبینی فرهنگی را بیان می کرد و نه یک پارادایم و معرف یک نقد علمی. اگرچه علاقه محققان دانشگاه های هاروارد (لزلی ویلکینز)، کمبریج (جفری روپر) و یا کتابخانه کنگره (فوزی تادروس) به مطالعه منابع اسلامی خیلی زیاد بود لیکن بدبینی در مورد توانایی پژوهشگران غربی به تحلیل و تفسیر متون اسلامی همچنان شدید بود.

با این که دلایل بسیاری برای انتقاد از رسانه های غربی به خاطر شیوه شان در معرفی اسلام، خاورمیانه و به طور کلی جهان غیر اروپایی وجود دارد اما نقد این رسانه های

کلاً از فقدان تخصصی بودن آکادمیک رنج می برد. کنفرانس منابع اسلامی روشن ساخت که بسیاری از انتقادات شدید به تحریف چهره اسلام بر مبنای فرضیات غلطی در مورد ماهیت رسانه های جمعی غرب و فرایندهای گزارشگری خارجی قرار دارد. بسیاری از شرکت کنندگان به این فرض باور داشتند که یک توطئه غربی میان سیاست گذاران و رسانه ها به رهبری صهیونیست ها (به ویژه در آمریکا) جریان دارد که اسلام ستیزی عمیق جوامع غربی را زنده نگه می دارد. اما شرکت کنندگان دیگری استدلال می کردند که چنین نگرش غیر تمایز دهنده ای در مورد رابطه میان رسانه ها، سیاست ها و جامعه به هیچ وجه یک تحلیل شفاف در خصوص مسائل ذاتی گزارشگری خارجی در غرب ارائه نمی کند (کای حافظ از مؤسسه مطالعات خاورمیانه هامبورگ چنین استدلالی را مطرح کرد). نمی توان بر مبنای چنین فرضیاتی برای تغییر فرهنگ رسانه ای در غرب راه حل و پیشنهاد ارائه داد. همان طور که مثالهای زیادی برای دستکاری و کنترل سیاسی رسانه ها وجود دارد (مانند سانسور اطلاعاتی جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ به وسیله

همکاری میان روزنامه نگاران محلی (مانند روزنامه نگاران عرب) و روزنامه نگاران غربی برای افزایش استانداردهای اطلاع رسانی در مؤسسات خبرپراکنی غربی است. کیفیت گزارشهای خارجی غربی به شدت به توسعه آزادی رسانه ای در جهان اسلام ارتباط دارد. در حالی که بعضی از شرکت کنندگان در کنفرانس ایده هایی برای بهبود روابط عمومی جهت تغییر نگرشهای منفی از اسلام ارائه کردند اما دیگران استدلال می نمودند که چنین اطلاع رسانی بیهوده خواهد بود مگر اینکه در پیوند با پایگاه اجتماعی باشد و رژیم های اسلامی نیز سیستم های شدیداً کنترل شده رسانه ای و ارتباطی را آزاد سازند. (فهمی هوییدی، روزنامه الاهرام قاهره).

این کنفرانس از ۳۱ اکتبر تا ۳ نوامبر ۱۹۹۹ در ریاض عربستان برگزار شد.

نوشته: کای حافظ

ترجمه: محمد تقی دلفروز

ارتش آمریکا) مثالهای زیادی نیز برای استقلال رسانه ها و افکار عمومی غرب از حکومتهای متبوعشان وجود دارد (مانند گفتگوی انتقادی بین اتحادیه اروپا و ایران و بحران ۹۲-۱۹۹۱ الجزایر که در طی آن رسانه های آلمان بیش از حکومتشان مواضع ضد اسلام گرایی گرفتند). تغییرات شدیدی که در نگرش بسیاری از کشورهای غربی در مورد برخورد اعراب و اسرائیل طی دهه های اخیر به وجود آمده (از تمایل به طرفداری شدید از اسرائیل به ویژه در آلمان به اتخاذ یک نگرش بسیار مثبت در مورد فلسطینی ها و مشکلاتشان) گواه آشکاری است بر علیه ادعای ارتباط رسانه ها و جوامع غربی با صهیونیست ها. ارتباط بین رسانه ها و سیاست ها بر اساس یک موازنه انعطاف پذیر قرار دارد که هنگامی می توان آن را از لحاظ تئوریک تشریح کرد که فرایندهای پیچیده تعامل متقابل بین دولت، مؤسسات خبری و نفوذشان بر جریان اطلاعات، حضور اندک خبرنگاران خارجی، منافع تجاری رسانه های غربی، صلاحیت شان برای «تغییر فرهنگی» و بسیاری از دیگر جنبه ها را در نظر بگیریم.

یکی از مهمترین مشکلات در این زمینه عبارت است از فقدان